

## آخوند مکتبی؛ حلال مشکلات مردم

۳۰ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۷:۲۵

... مکتب عبارت بود از دکانی و گاهی هم بالاخانه ای که مردی معمم و مسن کرایه می کرد و در آن بچه های خردسال را می پذیرفت و دو سه سالی به آنها درس می داد. پدران ماهیانه مختصری به آن معلم که معمولاً او را «آخوند مکتبی» می گفتند می دادند.

### جوان و تاریخ- سبک زندگی

مدرسه به عنوان نماد و دوره مهمی از جامعه پذیری افراد به مثابه یک نقطه عطف در زندگی بشر دارای اهمیت بسیار زیادی است. به جرات می توان گفت این مسئله حتی در مورد مدارس قدیمی که از آن تحت عنوان مکتب خانه یاد می کردند نیز صادق است. اما نوع آموزش در این مدارس بسیار متفاوت بود، اول اینکه بسیار مونولوگ تر از مدارس جدید بود و دوم آنکه تربیت و آموزش در آن به شیوه ای خشن صورت می گرفت. در این مدارس روحانی که نقش معلم را ایفا می کرد، از نقش های اجتماعی متعددی برخوردار بود. در متن زیر به نقش های اجتماعی آخوند مکتبی اشاره ای خواهیم داشت:





«... مکتب عبارت بود از دکانی و گاهی هم بالاخانه ای که مردی معمم و مسن کرایه می کرد و در آن بچه های خردسال را می پذیرفت و دو سه سالی به آنها درس می داد. پدران ماهیانه مختصری به آن معلم که معمولا او را «آخوند مکتبی» می گفتند می دادند و بچه ها از طلوع آفتاب تا غروب در مکتب می ماندند. آخوند در صدر مکتب دوشکی یا تخته پوستی انداخته بود و خود بر روی آن می نشست و شاگردان به ترتیب سن در دو طرف راست و چپ آخوند، پهلوئی او می نشستند و آنها که خردسال تر بودند در ته مجلس جا می گرفتند.»

«بهترین و مسن ترین شاگردان حکم معاون آخوند را داشت و به او «خلیفه» می گفتند. گاهی که آخوند خسته می شد یا کار دیگری برای او پیش می آمد درس دادن به شاگردان مبتدی را به خلیفه واگذار می کرد، زیرا که آخوند جز درس دادن به کارهای دیگری هم می رسید. مردمی که خود سواد نداشتند کاغذی را که به آنها رسیده بود به او می دادند، برایشان بخواند یا از طرف آنها کاغذ به این و آن می نوشت.»

«گاهی دوا می داد، گاهی استخاره با تسبیح یا قرآن می کرد، گاهی سندی یا اجاره نامه ای، قبض رسیدی برای مردم می نوشت. گاهی هم صیغه می خواند و زن و زن عقد می کرد و طلاق می داد. روی هم رفته آخوند حلال مشکلات مردم محله بود و در هر کاری از او یاری می خواستند و یاری او را می پرسیدند. در این موارد که سر آخوند به جای دیگر بود خلیفه جور او را می کشیدند و حتی اجاره داشت شاگرد تنبل یا حرف ناشنو را مجازات و تنبیه کند. دوره مکتب خانه معمولا بیش از سه سال نبود.»<sup>۱</sup>

سعید نفیسی، به روایت سعید نفیسی: خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، به کوشش: علیرضا اعتصام، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/22168/مردم-مشكلات-حلال-مکتب-آخوند>